

موضوع چهارم از برنامه کار
مواردی از وضعیت‌های حقوق بشر که مستلزم توجه شورا می‌باشد

گزارش دبیرکل در باره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

خلاصه

گزارش حاضر بر طبق قطعنامه شماره ۶۸/۱۸۴ مجمع عمومی ارائه می‌گردد که مجمع عمومی در آن از دبیرکل تقاضا کرده بود یک گزارش مقدماتی برای نشست بیست و پنجم شورای حقوق بشر تهیه نماید. این گزارش بازتابی است از شیوه‌ها و روال‌های فعلی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران. این گزارش همچنین در مورد پیشرفت‌های حاصل در اجرای قطعنامه فعلی، از جمله توصیه‌هایی که برای بهبود اجرای آن شده است، اطلاعاتی را فراهم می‌آورد. مجمع عمومی در قطعنامه ۶۸/۱۸۴ خود خطاب به دولت جمهوری اسلامی ایران نگرانی‌های عمیق خود را که در گزارش پیشین دبیرکل نیز مورد تأکید قرار گرفته بود ابراز می‌دارد و از [این دولت] می‌خواهد در ارتباط با چند مورد خاص که به ویژه نام برده شده‌اند به تعهدات خود در زمینه حقوق بشر چه قانوناً و چه عملاً به طور کامل احترام گذارد.

فهرست مطالب

۱. مقدمه
۲. نظری اجمالی به وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران
 - الف. حقوق مدنی و سیاسی
 - الف-۱. اعدامها
 - الف-۲. شکنجه و رفتار یا مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز
 - الف-۳. شرایط بازداشت
 - الف-۴. محدودیت‌های آزادی بیان و عقیده
 - الف-۵. وضعیت مدافعان حقوق بشر
 - الف-۶. مشارکت سیاسی زنان
 - الف-۷. وضعیت اقلیت‌های قومی و مذهبی
 - الف-۸. پناهندگان و مهاجرین
 - ب. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۳. همکاری با ساز و کارهای بین‌المللی حقوق بشر و دفتر کمیسریای عالی سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر
 - الف. همکاری با سیستم معاهدات حقوق بشر سازمان ملل متحد
 - ب. همکاری با حقوقدانان ویژه شورای حقوق بشر
 - ج. همکاری با دفتر کمیسریای عالی سازمان ملل در امور حقوق بشر
 - د. بررسی عمومی دوره‌ای
۴. نتیجه گیری و توصیه

۱) مقدمه:

۱- گزارش فعلی به دنبال قطعنامه ۶۸/۱۸۴ مجمع عمومی ارائه می‌گردد که در آن از دبیرکل تقاضا کرده بود به جلسه شصت و نهم این مجمع گزارش نماید و یک گزارش مقدماتی را هم به نشست بیست و پنجم شورای حقوق بشر تحویل دهد. این گزارش اطلاعاتی را در مورد پیشرفت‌های حاصل در اجرای قطعنامه ۶۸/۱۸۴ فراهم می‌آورد و در عین حال که عوامل مؤثر بر روی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مورد توجه قرار می‌دهد، بر روی نگرانی‌های مذکور در قطعنامه مزبور نیز توجه و تمرکز می‌کند.

۲- این گزارش بر اساس مشاهدات ارگان‌های ناظر بر معاهدات سازمان ملل، آئین نامه‌های ویژه شورای حقوق بشر، نهادهای گوناگون سازمان ملل و سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی تهیه گردیده است. این گزارش همچنین به اطلاعات به دست آمده از رسانه‌های رسمی دولتی نیز رجوع می‌نماید.

۳- از زمان آخرین گزارش دبیرکل به مجمع عمومی (سند شماره A/68/377)، دولت [ایران] قدم‌های قابل ستایشی در زمینه حقوق بشر برداشته است. این گام‌ها شامل موارد ذیل بوده است: آزاد کردن زندانیان سیاسی معروفی که به دنبال ناآرامی‌های پس از انتخابات سال ۲۰۰۹ دستگیر شدند. دعوت به کار برخی از دانشجویان و اساتیدی که به دلیل نقشی که گفته می‌شد در ناآرامی‌های پس از انتخابات سال ۲۰۰۹ داشته‌اند، از آموزش عالی ممنوع شده بودند؛ و تهیه پیش نویس منشور حقوق شهروندی برای مشورت عموم مردم. دولت همچنین در باره رفع تبعیض علیه زنان و اقلیت‌های قومی و ارتقاء آزادی بیان قول‌هایی داده است.

۴- دولت جمهوری اسلامی ایران همچنین با کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد که به بررسی دومین گزارش دوره‌ای این کشور در ماه مه ۲۰۱۳ پرداخته بود به گونه‌ای مؤثر همکاری نمود. متأسفانه دولت به طور جدی با متخصصین مستقل ویژه شورای حقوق بشر همکاری نکرده است. به هیچیک از مأمورین ویژه سازمان ملل از جمله به گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۰۵ به بعد اجازه داده نشده است به ایران سفر کنند و تعداد پاسخ‌هایی که به مکاتبات بیشمار متخصصین حقوق بشر داده شده، بسیار محدود بوده است.

۵- ساز و کارهای حقوق بشر سازمان ملل متحد کماکان در باره قطع اعضاء بدن، شلاق زدن، افزایش صدور مجازات اعدام، بازداشت‌های خودسرانه و محاکمات غیر عادلانه، ابراز نگرانی می‌نمایند. آزادی بیان مانند گذشته محدود باقی مانده و تعداد زیادی از روزنامه نگاران هنوز در زندان مانده‌اند و شبکه‌های اجتماعی مسدود می‌شوند. مدافعان حقوق بشر و فعالان حقوق زنان دائماً با دستگیری و آزار و اذیت مواجه هستند. زنان مورد تبعیض‌هایی قرار می‌گیرند که هم قانوناً و هم عملاً نهادینه شده‌اند. تبعیض علیه گروه‌های اقلیت ادامه دارد، و در بعضی موارد به مرحله آزار و اذیت رسیده است. فقدان دسترسی به مراقبت‌های درمانی مناسب و به موقع در زندان‌ها مانند گذشته ادامه دارد.

۲) نظری اجمالی به وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

الف) حقوق مدنی و سیاسی

۶- جامعه بین‌المللی از جمله دبیرکل سازمان ملل از شرکت تعداد زیاد رأی دهندگان در انتخابات ژوئن ۲۰۱۳ استقبال کرد. اما با وجود این، رد صلاحیت کردن از شمار زیادی از نامزدهای انتخاباتی، از جمله تمام نامزدهای زن، اخبار مربوط به تهدید فعالان سیاسی، روزنامه نگاران، اتحادیه‌های صنفی و فعالان دانشجویی، و ایجاد

محدودیت برای آزادی بیان، سبب تضییع روند انتخابات شد.^۱ رئیس جمهور در طی مبارزات انتخاباتی خود، در مورد نگرانی‌های جدی مربوط به مسائل حقوق بشر وعده‌هایی داد، از جمله ارائه منشور حقوق شهروندی، رفع تبعیض علیه زنان و اقلیت‌های قومی، ارتقاء آزادی بیان و کاهش سانسور. اگر چه پیش‌نویس منشور حقوق شهروندی به نظرخواهی عمومی گذاشته شده، اما این پیش‌نویس با معیارهای بین‌المللی حقوق بشر تناقض دارد و قادر به رفع نگرانی‌هایی که به طور مداوم توسط سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل متحد مطرح گردیده، نبوده است. در روز ۱۵ ژوئن ۲۰۱۳ دبیرکل تمایل خود را برای همکاری با رئیس جمهور برگزیده و مقامات ایرانی بر روی مسائلی که برای جامعه بین‌المللی و نیز رفاه مردم ایران حائز اهمیت می‌باشد، اعلام نمود. وی همچنین اظهار امیدواری نمود که دولت برای اجرای وعده‌هایی که رئیس جمهور روحانی در طی مبارزات انتخاباتی‌اش داده، گام‌هایی بردارد.

الف-۱) اعدام‌ها

۷- دبیرکل از افزایش شدید تعداد اعدام‌ها در جمهوری اسلامی ایران به شدت نگران است. دولت جدید رویکرد خود را نسبت به اعمال حکم اعدام تغییر نداده است و به نظر می‌رسد که روال دولت‌های قبلی را دنبال می‌کند که برای مبارزه با جرم، شدیداً بر مجازات اعدام تکیه کرده‌اند. در روز ۱۱ دسامبر ۲۰۱۳ رئیس قوه قضائیه متذکر شد که از دیدگاه مذهبی، مخالفت با مجازات اعدام، مخالفت با اسلام است.^۲ در سال‌های اخیر مقامات ارشد ایران، در ارتباط با ارتکاب جرم، بر مؤثر نبودن مجازات اعدام اذعان نموده و نیاز به بازبینی قوانین مربوطه را پیشنهاد کردند. قانون مجازات اسلامی جدید برای طیف گسترده‌ای از تخلفات که بر طبق حقوق بین‌الملل در ردیف «شدیدترین جنایات» قرار نمی‌گیرند، مجازات اعدام در نظر می‌گیرد، که تخلفات مربوط به مواد مخدر از آن جمله‌اند. این قانون همچنین سنگسار را به عنوان مجازات، ابقاء نموده است.^۳ در روز ۲ دسامبر ۲۰۱۳، کمیسریای عالی سازمان ملل در امور حقوق بشر در یک کنفرانس مطبوعاتی در مورد گزارش‌های مبتنی بر افزایش شدید و ناگهانی اعدام‌های زندانیان سیاسی، به خصوص اعدام در ملاء عام و نیز استفاده از مجازات اعدام برای تخلفات مربوط به مواد مخدر، نگرانی عمیق خود را ابراز داشت. وی مصلحتاً از دولت ایران خواست استفاده از مجازات اعدام را از جهت قانونی و عملی، محدود و یا منسوخ نماید و یا اینکه در این مورد، آن را به تعلیق در آورد.

۸- افزایش تعداد اعدام‌ها، از جمله زندانیان سیاسی و افراد متعلق به اقلیت‌های قومی از قبیل بلوچ، عرب اهوازی، و کردها در نیمه دوم سال ۲۰۱۳ قابل توجه بود. مطلع هستیم که حد اقل ۵۰۰ تن در سال ۲۰۱۳ اعدام شده‌اند که ۵۷ مورد آن در ملاء عام صورت گرفته است. بر طبق اظهارات برخی از منابع، تعداد واقعی اعدامیان ممکن است بالغ بر ۶۲۵ تن باشد. افرادی که بر طبق گزارش‌های دریافتی، اعدام شده‌اند شامل ۲۷ زن و دو کودک میشوند. اکثر اعدام‌ها در ارتباط با تخلفات مواد مخدر صورت گرفته است. مقامات در اظهار نظر در باره این گزارش، افزایش تعداد اعدام شدگان را به قاچاق مواد مخدر نسبت دادند و تأکید نمودند که مجازات اعدام صرفاً برای شدیدترین تخلفات در نظر گرفته می‌شوند و فقط مجرمینی که مرتکب شدیدترین جرایم شده باشند، مجازات اعدام دریافت خواهند کرد. این افزایش شدید در سال ۲۰۱۴ نیز ادامه یافته است. گزارش می‌شود که بیش از ۴۰ تن در طی نیمه اول ماه ژانویه اعدام شده‌اند. گزارشگر ویژه در امور اعدام‌های فراقضائی، شتابزده یا خودسرانه

^۱ یک گروه از حقوقدانان متخصص سازمان ملل در باره رد صلاحیت نامزدهای انتخاباتی در مقیاس وسیع، از جمله تمامی زن‌ها، توسط شورای نگهبان که مسئول تأیید صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری است، اظهار نگرانی عمیق کردند. از ۶۸۶ نفری که ثبت نام کرده بودند، فقط ۸ تن تأیید شدند.

^۲ خبرگزاری نیمه رسمی قطر، ۱۱ دسامبر ۲۰۱۳، قابل دسترسی در <http://www.ghatreh.com/news/nn16968628>.

^۳ قانون مجازات اسلامی برای جرائم ذیل، مجازات اعدام تعیین می‌کند: زنا با محصنه، زنا با محارم، تجاوز جنسی، لواط، طرف غیر مسلمان در روابط همجنسگرایی، توهین به حضرت محمد و پیامبران بزرگ دیگر، تملک و فروش مواد مخدر، زدی برای چهارمین بار، محاربه (خصوصاً ورزیدن با خداوند)، فساد فی الارض، جاسوسی و جرائم علیه امنیت ملی. نگاه کنید به سند شماره A/68/377، پاراگراف ۱۴.

در گزارشی به شورای حقوق بشر در باره افزایش ناگهانی اعدام‌ها به دنبال انجام دادرسی‌هایی که مطابق معیارهای بین‌المللی حقوق بشر در مورد تضمین محاکمه عادلانه و انجام تشریفات حقوقی تصریح شده در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نبوده است، نگرانی عمیق خود را ابراز داشت. وی مصّرانه از دولت ایران خواست که قوانین و مقررات اجرایی داخلی خود را با حقوق بین‌المللی تطابق دهد.^۴

۹- دبیرکل در روز ۱ نوامبر ۲۰۱۳ نگرانی شدید خود را در ارتباط با گزارش اعدام ۱۶ تن در روز ۲۶ اکتبر ۲۰۱۳ در شهر زاهدان اظهار داشت و خواستار تعلیق مجازات اعدام از سوی دولت ایران شد. این ۱۶ نفر بلوچ بودند و بر اساس گزارش‌ها در پاسخ به کشتار ۱۴ مرزبان توسط یک گروه مسلح در مرز پاکستان، اعدام گردیدند. هیچگونه مدارک و شواهدی ارائه نشده است که ثابت نماید اعدام شدگان در این واقعه دست داشته‌اند، زیرا تمامی این ۱۶ تن قبلاً محاکمه و محکوم شده و مدت‌ها پیش از وقوع این حادثه به مرگ محکوم شده بودند. ۸ تن از این ۱۶ نفر به دلیل تخلفات مربوط به مواد مخدر به اعدام محکوم شده بودند. اداره دادستانی ضمن تأیید این اعدام‌ها اعلام نمود که اعدام افراد فوق به تلافی حمله مزبور صورت گرفته است.^۵ در همان روز حبیب‌الله گلپری پور و رضا اسماعیلی، که هر دو از زندانیان کرد بودند، پس از آنکه ظاهراً به دلیل ارتباط با حزب مسلح حیات آزاد کردستان یا پژاک به اتهاماتی از قبیل فساد فی الارض و محاربه، به مرگ محکوم شده بودند، اعدام گردیدند.^۶ در روز ۴ نوامبر آقای شرکو معارفی، یک فعال مدنی و سیاسی کرد که به جرم محاربه، عضویت در حزب کومله و اقدام علیه امنیت ملی به مرگ محکوم شده بود، نیز اعدام گردید.^۷

الف-۲) شکنجه و رفتار یا مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز

۱۰- وقوع مکرر مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز، از قبیل قطع دست و پا و شلاق زدن، کماکان موجب نگرانی است. دستگاه قضائی به کرات مجازات‌هایی را اعمال نموده است که به موجب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران نیز از اعضای آن می‌باشد، ممنوع گردیده است. قانون اصلاح شده مجازات اسلامی، مجازات قطع دست و پا را برای تخلفاتی از قبیل محاربه و دزدی، و شلاق زدن را برای نوشیدن الکل، دزدی و برخی از تخلفات جنسی در نظر می‌گیرد. در روز ۷ ژانویه ۲۰۱۳، رئیس دیوان عالی کشور از وجود مجازات‌هایی از قبیل قطع دست و پا، دفاع کرده و اظهار داشت اجرای صحیح قانون اسلامی از وقوع بسیاری از جرائم جلوگیری می‌کند. وی تأکید نمود که قطع دست‌های یک سارق و یا قطع دست و پای یک محارب به نفع جامعه بوده و در تخفیف وقوع جرائم مؤثر است.^۸ در روز ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۳، دادگاه آبادان برای چند تن که به دزدی متهم شده بودند، مجازات‌های قطع دست و شلاق زدن صادر نمود. بر طبق اظهارات رئیس دادگستری آبادان، یکی از اعضای این گروه به جرم سرقت و داشتن روابط جنسی نامشروع، به قطع انگشتان دست و تحمل ۹۹ ضربه شلاق محکوم گردید در حالی که دیگران هر یک به جرم روابط جنسی نامشروع به ۷۴ ضربه شلاق و به جرم سرقت به حبس محکوم گردیدند.^۹ در روز ۲۹ اوت ۲۰۱۳، مردی که به قاچاق مواد مخدر متهم شده بود

^۴ A/HRC/23/47، پیوست ۵.

^۵ خبرگزاری رسمی فارس، ۲۶ اکتبر ۲۰۱۳، قابل دسترسی در <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920804000374>.

^۶ مقامات ایران در تفسیرهای خود قید کردند که آقای حبیب‌الله گلپری پور در یک حمله به پاسگاه پلیس شرکت داشته که سبب کشتار پرسنل آن قرارگاه گردیده و نیز در حمل و معامله انواع سلاح‌های گرم و مهمات نظامی نیز دست داشته است.

^۷ مقامات ایران ادعا می‌کنند که آقای معارفی در عملیات نظامی شرکت داشته و عضو گروه تروریستی کمله بوده است. خبرگزاری نیمه رسمی تسنیم، ۷ ژانویه ۲۰۱۴، قابل دسترسی در

<http://www.tasnimnews.com/Home/Single/242758>

^۸ خبرگزاری نیمه رسمی مهر، ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۳، قابل دسترسی در <http://www.mehrnews.com/detail/news/2107061>.

در شهر ساوه با تحمل ۷۰ ضربه شلاق در ملاء عام مجازات گردید. دادستان کل و انقلاب اعلام نمود که فرد متهم در قاچاق مواد مخدر دست داشته است.^{۱۰}

الف-۳) شرایط بازداشت

۱۱- دبیرکل همچنین در مورد عدم دسترسی به موقع به مراقبت‌های درمانی مورد نیاز در داخل زندان‌ها و شرایطی که زندانیان در آن نگاه داشته می‌شوند، نگران است. بر اساس گزارش‌ها، مقامات زندان از در اختیار گذاشتن مراقبت‌های بهداشتی به افرادی که نیاز فوری به مراقبت‌های پزشکی خارج از بیمارستان دارند، امتناع می‌ورزند. بخش‌های ویژه گوناگونی به دفعات در مورد شرایط پزشکی وخیم زندانیان، فقدان مراقبت پزشکی و خطر مرگی که چندین تن از زندانیان را تهدید می‌کند، مکاتبات متعددی به دولت ایران ارسال داشته‌اند. بنا بر گزارشها در روز ۲۰ ژوئن ۲۰۱۳ افشین اسانلو، یکی از اعضاء اتحادیه‌های صنفی که در حال گذراندن دوره پنجساله حبس خود بود، در اثر حمله قلبی در زندان درگذشت.^{۱۱} در روز اول نوامبر ۲۰۱۳، عبدالفتاح سلطانی در اعتراض به محرومیت تعدادی از زندانیان از مراقبت‌های پزشکی خارج از بیمارستان، دست به اعتصاب غذا زد. این اعتصاب غذا که چند تن از زندانیان دیگر نیز در آن شرکت کرده بودند، در روز ۱۰ نوامبر پایان یافت. اما معترضین اخطار نمودند که در صورتی که دولت به محروم ساختن زندانیان نیازمند به درمان از دریافت مراقبت‌های تخصصی پزشکی ادامه دهد، اعتصاب غذای خود را از سر خواهند گرفت.

الف-۴) محدودیت‌های آزادی بیان و عقیده

۱۲- علیرغم وعده‌هایی که توسط رئیس‌جمهور در طی مبارزات انتخاباتی اش و نیز پس از تحلیف، داده شده بود، دولت جدید هیچگونه پیشرفت چشمگیری در ارتقاء و محافظت از آزادی بیان و عقیده نکرده است. هم رسانه‌های اینترنتی و هم رسانه‌های غیر اینترنتی کماکان با محدودیت‌هایی روبرو هستند که از آن جمله تعطیل نمودن این رسانه‌ها می‌باشد. افرادی که در پی به اجرا درآوردن یا ارتقاء آزادی بیان و عقیده برای ابراز نظرات یا عقاید مخالف هستند همچون گذشته با دستگیری، شکنجه و محرومیت‌های اعمال شده توسط حکومت مواجه هستند. قانون مطبوعات مصوب ۱۹۸۶، قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۲۰۰۹، و قانون جرایم فضای مجازی دارای موادی هستند که آزادی بیان را به شدت محدود می‌نماید. گزارشگر ویژه مخصوص وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران در گزارش خود به شصت و هشتمین نشست مجمع عمومی، نگرانی شدید خود را در باره محدودیت‌های اعمال شده بر روی آزادی بیان و عقیده، از جمله در اینترنت، اظهار داشت. وی متذکر شد که تا حدود ۵۰ میلیون وبسایت، از جمله سایت‌های ویکیپدیا در مورد موضوعات گوناگون، مسدود گردیده‌اند.^{۱۲} به جز بعضی از مقامات رسمی دولتی که به فیسبوک و توییتر دسترسی دارند، عموم مردم از شرکت در اینگونه فعالیت‌های آنلاین ممنوع شده‌اند. اگر معلوم شود فردی در یکی از فعالیت‌های آنلاین شرکت داشته که از نظر مقامات، نامناسب بوده است، فرد مورد نظر می‌تواند دستگیر و تحت پیگرد قانونی قرار گیرد.

^{۱۰} اخبار رادیو زمانه، ۳۰ اوت ۲۰۱۳، قابل دسترسی در www.radiozamaneh.com/94830#.UiI9Xj-NDAM و www.iribnews.ir/NewsText.aspx?ID=2060544.

^{۱۱} سازمان عفو بین‌الملل [Amnesty International]، «مرگ افشین اسانلو در زندان ایران» [Death of Afshin in Iranian Prison]، ۲۴ ژانویه ۲۰۱۳، قابل دسترسی در <http://www.amnesty.org.uk/blogs/focus-iran/death-afshin-osanloo-iranian-prison>، و کمپین بین‌المللی حقوق بشر [International Campaign for Human Rights]، «خانواده اسانلو خواستار تحقیق در باره مرگ وی در زندان شدند» [Osanloo's Family Calls for Investigation Into His Prison Death]، ۲۶ ژانویه ۲۰۱۳، قابل دسترسی در http://www.iranhumanrights.org/2013/06/osanloo_death/.

^{۱۲} سند شماره A/68/503.

۱۳- به گفته کمیته حمایت از روزنامه نگاران، از تاریخ ۱۸ دسامبر ۲۰۱۳، ۳۵ روزنامه نگار در زندان‌های سراسر کشور محبوس می‌باشند.^{۱۳} در مقایسه با همان دوره در سال ۲۰۱۲، این رقم از ۴۵ تن تنزل نموده است، که تا حدی به دلیل سیاست دولت مبنی بر آزاد ساختن برخی از ژورنالیست‌ها با فرستادن آنها به مرخصی بوده است. در ماه دسامبر ۲۰۱۳، ۱۶ فعال اینترنتی به اتهام تهیه مطلب و راه‌اندازی وبسایت برای عناصر خارجی دستگیر شدند. بنا بر گزارش‌ها برخی از دستگیر شدگان، گردانندگان صفحات پرطرفدار فرهنگی و اجتماعی بر روی فیسبوک بوده‌اند. آنها گاهی در باره حبس زندانیان سیاسی اخباری را منتشر نموده بودند. هفت تن دیگر هم گفته می‌شود که برای یک وبسایت ایرانی به نام نارنجی [Nareinj.ir] کار می‌کرده‌اند که در زمینه فن آوری‌های جدید تخصص داشته است.^{۱۴} پیش از آنکه این افراد را به مکانی نامعلوم ببرند، منازل آنها را مورد تفتیش قرار داده و لوازم شخصی شان را مصادره کردند.

۱۴- در روز ۲۳ نوامبر، مقامات دادگستری رفسنجان، دستگیری هفت تن را تأیید نمودند که گفته می‌شد در اینترنت به مقدسات و ارزش‌های اسلامی توهین نموده بودند، و اخطار نمودند که دستگاه‌های اطلاعاتی، اینترنت را به دقت زیر نظر دارند و تمامی امکانات خود را برای پیشگیری از تخلفات آنلاین به کار خواهند گرفت.^{۱۵} روزنامه نگارانی که به گروه‌های اقلیت و اصلاح طلبان وابسته‌اند نیز کماکان در حبس به سر می‌برند. در نوامبر ۲۰۱۳، خسرو کردپور و مسعود کردپور به اتهام تجمع و توطئه علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام، به ترتیب به شش و سه و نیم سال حبس محکوم شدند. اینطور گفته می‌شود که انگیزه محکومیت آنها، فعالیت ایشان به عنوان روزنامه نگار، و از جمله تهیه گزارش در باره وضعیت حقوق بشر در استان کردستان بوده است.^{۱۶} در روز ۷ دسامبر ۲۰۱۳، فاطمه اختصاری و مهدی موسوی، که هر دو شاعر هستند، دستگیر و به زندان اوین انتقال یافتند. آنها ظاهراً به دلیل مقالات انتقادآمیز و نظرات مخالفت آمیزشان، گرفتار شده‌اند. بنا بر گزارش‌ها این افراد پس از گذراندن یک ماه در حبس، با سپردن وثیقه آزاد شدند.

الف-۵) وضعیت مدافعان حقوق بشر

۱۵- از نیمه سپتامبر ۲۰۱۳ به بعد، دولت بیش از ۸۰ زندانی سیاسی از جمله فعالان حقوق زنان، فعالان سیاسی و روزنامه نگاران را آزاد نموده است. در میان آزاد شدگان می‌توان از افراد زیر نام برد: نسرین ستوده فعال حقوق بشر و چهره شناخته شده بین‌المللی و نیز دریافت کننده جایزه آزادی اندیشه ساخاروف در سال ۲۰۱۲؛ محبوبه کرمی، فعال حقوق بشر و عضو کمپین یک میلیون امضاء؛ و ژیل کرم زاده مکوندی، حامی مادران عزادار پارک لاله. دبیرکل، کمیسریای عالی سازمان ملل در امور حقوق بشر و گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از آزاد سازی زندانیان سیاسی استقبال نموده و از دولت ایران جداً تقاضا کردند گام‌های بیشتری برای تضمین آزاد ساختن دیگر زندانیان سیاسی بردارد.

۱۶- حمید قاسمی شال، یک شهروند ایرانی - کانادایی، که در ماه مه ۲۰۰۸ دستگیر و به جرم محاربه و جاسوسی به اعدام محکوم گردیده بود، پس از یک محاکمه مجدد در اوت ۲۰۱۳ که دادگاه طی آن مجازات وی را

^{۱۳} کمیته محافظت از روزنامه نگاران، «بدترین سال دوم برای روزنامه نگاران زندانی که تا کنون به ثبت رسیده است»، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۳، قابل دسترسی در <http://www.cpj.org/reports/2013/12/second-worst-year-on-record-for-jailed-journalists.php>.

^{۱۴} گاردین [The Guardian]، ۵ دسامبر ۲۰۱۳، قابل دسترسی در <http://www.theguardian.com/world/2013/dec/05/iran-revolutionary-guards-arrest-internet-activists>.

^{۱۵} خبرگزاری نیمه رسمی خانه خشتی، ۲۳ نوامبر ۲۰۱۳، قابل دسترسی در <http://www.khanekheshti.com/> [دستگیری-8 نفر-از-توهین-کنندگان-به-مقدسات] دستگیری ۸ نفر از توهین کنندگان به مقدسات].

^{۱۶} سازمان عفو بین‌الملل [Amnesty International]، «برادران زندانی روزنامه نگار مجازات شدند»، ۱۳ دسامبر ۲۰۱۳، قابل دسترسی در <http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/056/2013/en>.

از اعدام به پنج سال حبس تخفیف داد، سرانجام در روز ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۳ آزاد شد.^{۱۷} دولت همچنین مجازات مرگ سعید ملک پور، وبلاگ نویسی که در سال ۲۰۱۰ به جرم «مدیریت سایت‌های مستهجن» به اعدام محکوم شده بود را رد کرد.^{۱۸} کمیسریای عالی از تخفیف مجازات ملک پور استقبال نموده و دولت را تشویق نمود تمامی افرادی را که به دلیل به کار گرفتن حق قانونی خود برای آزادی بیان و انجمن، در حبس نگاهداشته، آزاد نماید.

۱۷- علیرغم این پیشرفت‌های مثبت، تعداد کثیری از زندانیان سیاسی، از جمله وکلای معروف، فعالان حقوق بشر، فعالان حقوق زنان و روزنامه نگاران کماکان به دلیل اتهاماتی که گمان می‌رود مربوط به استفاده از آزادی بیان، انجمن و تجمع آرام می‌باشد، در حال گذراندن دوره‌های حبس خود می‌باشند. گزارشگر ویژه در مورد حق آزادی تجمع آرام و انجمن، در جدیدترین گزارش خود به شورای حقوق بشر^{۱۹}، متذکر شد که دولت [ایران]، مانند چندین کشور دیگر، تجمعات آرام را سرکوب نمود زیرا پیام‌های این محافل برای ایشان خوشایند نبود، و سازمان دهندگان و شرکت کنندگان اغلب به فتنه و آشوبگری متهم می‌شدند. این مورد برای دو نامزد سابق ریاست جمهوری، مهدی کروبی و میر حسین موسوی نیز اتفاق افتاد که به دلیل ترتیب دادن راهپیمایی برای اعلام همبستگی با تظاهرات مردم مصر در فوریه ۲۰۱۱، که برای برگزاری آن از مقامات درخواست اجازه کرده بودند، هنوز در بازداشت خانگی به سر می‌برند. از زمان دستگیری ایشان تا کنون هیچیک از آنها هنوز به طور رسمی متهم نگردیده و یا به دادگاه احضار نشده‌اند تا در مورد قانونی نبودن بازداشت خود، اعتراض نمایند. در روز ۷ ژانویه ۲۰۱۴، از محمد جواد لاریجانی، رئیس شورای عالی حقوق بشر در ایران نقل قول شد که پس از یک انتظار طولانی، پرونده‌ای علیه رهبران مخالفین، به جریان افتاده است.^{۲۰} در روز ۱۷ ژانویه ۲۰۱۴، مصطفی پور محمدی، وزیر دادگستری ایران اظهار داشت که محاکمه [این افراد] با منافع دولت مغایرت دارد اما این افراد باید در حبس بمانند.^{۲۱} دبیرکل و متخصصین ویژه امور حقوق بشر مکرراً خواستار آزاد سازی فوری این دو رهبر مخالفین شده‌اند و اظهار داشته‌اند که بازداشت ایشان خودسرانه و ناقض تعهدات بین‌المللی ایران و قوانین داخلی این کشور می‌باشد.^{۲۲}

۱۸- این دو رهبر مخالف از داشتن تماس مرتب با بستگان خود محروم هستند و علیرغم اینکه از مشکلات شدید جسمانی از قبیل فشار خون بالا و اختلالات رو به وخامت قلبی رنج می‌برند، دسترسی ایشان به مراقبت‌های پزشکی کافی محدود بوده است. بنا به گزارش‌ها مقامات فقط ملاقات با افراد درجه یک خانواده را که قبلاً تأیید شده باشد اجازه می‌دهند و در چند مورد هم مأموران امنیتی دیدار کنندگان را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند. برای مثال، در روز ۲۴ اکتبر ۲۰۱۳ دختران موسوی شکایت کردند که در طی بازدید از والدین شان، به دست مأموران امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند.^{۲۳} دبیرکل به جدیت از رئیس جمهور می‌خواهد آزادی فوری این دو رهبر مخالفین را مورد توجه قرار دهد و دسترسی فوری و کافی ایشان به مراقبت‌های پزشکی را تسهیل نماید.

^{۱۷} خبرگزاری رسمی فارس، ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۳، قابل دسترسی در

<http://farsnews.com/newstext.php?nn=13920702000380>.

^{۱۸} خبرگزاری رسمی ایسنا، ۲۶ اوت ۲۰۱۳، قابل دسترسی در www.isna.ir/fa/news/92060402518/.

^{۱۹} سند شماره A/HRC/23/39، پیوست شماره ۲.

^{۲۰} خبرگزاری ایسنا، ۸ ژانویه ۲۰۱۴، قابل دسترسی در <http://www.isna.ir/fa/news/92101809956/>.

^{۲۱} همان، ۱۷ ژانویه ۲۰۱۴، قابل دسترسی در <http://isna.ir/fa/news/92102615523/>.

^{۲۲} در روز ۲۹ اوت ۲۰۱۲، [گروه] کاری بازداشت‌های خودسرانه نظر تشخیصی خود را در باره این پرونده اظهار داشت که این بازداشت خودسرانه بوده است زیرا هیچیک از این افراد از زمان دستگیری خود به هیچ جرمی متهم نشده‌اند و یا آنها را در برابر هیچ قاضی حاضر نکرده‌اند تا آنها به غیر قانونی بودن حبس خود اعتراض نمایند.

^{۲۳} سازمان دیده‌بان حقوق بشر [Human Rights Watch]، «هزار روز در بازداشت خانگی» [1,000 days under

house arrest]، ۱۲ نوامبر ۲۰۱۳، قابل دسترسی در www.hrw.org/news/2013/11/11/iran-1000-days-under-house-arrest.

۱۹- وکلا و فعالان برجسته حقوق بشر، از قبیل عبدالفتاح سلطانی، محمد علی دادخواه، و محمد سیف زاده، برای اتهاماتی که گفته می‌شود مربوط به کارهای قانونی و حرفه‌ای ایشان بوده است در زندان به سر می‌برند. آقای سلطانی در حال گذراندن یک دوره مجازات حبس سیزده ساله می‌باشد که به وسیله دادگاه انقلاب و به جرم تأسیس و اداره انجمنی که امنیت ملی را به مخاطره می‌اندازد، تبلیغ علیه نظام، اجتماع غیر قانونی و توطئه به قصد اخلال در امنیت عمومی، و کسب ثروت از طرق غیرقانونی، بر وی تحمیل گردیده است. دادگاه همچنین وی را از اشتغال به وکالت برای مدت ۲۰ سال ممنوع نموده است. کارگروه سازمان ملل متحد در امور بازداشت‌های خودسرانه در نظریه‌ای که در روز ۷ اوت ۲۰۱۳ صادر نمود، حبس آقای سلطانی را خودسرانه تشخیص داده و خواستار آزادی فوری وی گردید.^{۲۴} کارگروه نتیجه گرفت که «انگیزه بازداشت آقای سلطانی صرفاً فعالیت‌های حقوق بشری و/یا سیاسی وی بوده است، فعالیت‌هایی که بر اساس استفاده صلحجویانه از حق آزادی بیان می‌باشد، و در ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق بشر که جمهوری اسلامی ایران یکی از امضاء کنندگان آن می‌باشد، تضمین گردیده است.»^{۲۵} علاوه بر آن، در نوامبر ۲۰۱۳، دادگاه تجدید نظر مجازات یک سال حبس برای خانم معصومه دهقانی، همسر آقای سلطانی را تأیید نمود. وی به دلیل مسافرت به خارج از کشور و دریافت جایزه حقوق بشر نورنبرگ که به شوهرش اهدا گردیده بود، به «تبلیغ علیه نظام» متهم شد.

۲۰- در سپتامبر ۲۰۱۳، دادگاه تجدید نظر مجازات شش سال حبس علیه محمد سیف زاده، وکیل برجسته حقوق بشر و عضو کانون مدافعان حقوق بشر را که به وسیله شیرین عبادی، برنده جایزه نوبل تأسیس گردیده بود، تأیید نمود. این مجازات در ابتدا به دلیل اتهامات «تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام» برای سیف زاده صادر شده بود. از سال ۲۰۱۱ محمد علی دادخواه، یک وکیل برجسته دیگر و یکی از مؤسسان کانون مدافعان حقوق بشر به دلیل اتهاماتی از قبیل عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر و تبلیغ علیه نظام در حال سپری کردن مجازات حبس نه ساله خود می‌باشد که همچنین شامل ده سال ممنوعیت از اشتغال به کار نیز می‌شود. دبیرکل با تأکید بر اهمیت نقشی که مدافعان حقوق بشر و وکلا می‌توانند در پیشبرد محافظت از حقوق بشر و ارتقاء آن در ایران داشته باشند، مصرانه از دولت ایران خواست وکلای حقوق بشر و مدافعان حقوق بشر را آزاد نماید و به ایشان اجازه دهد بدون وجود هیچگونه خطری نسبت به سلامت جسمی و روحی شان و یا هر گونه محدودیت دیگر، ایجاد مزاحمت و تهدید، به فعالیت‌های خود بپردازند.

الف-۶) مشارکت سیاسی زنان

۲۱- تلاش‌های دولت برای منصوب کردن زنان به سمت‌های ارشد در دولت، از جمله معاونت ریاست جمهوری، ریاست سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان ملی استاندارد، و سخنگوی وزارت امور خارجه سبب خشنودی دبیرکل می‌باشد. دبیرکل همچنین از وعده‌های دولت مبنی بر افزایش تعداد سفرای زن استقبال کرد.^{۲۶} اما نام هیچ زنی در هیئت وزرا به چشم نمی‌خورد و این نشان دهنده تداوم فقدان نمایندگان زن در رده‌های بالای تصمیمگیری می‌باشد. مجمع جهانی اقتصاد در گزارش جهانی سال ۲۰۱۳ خود در مورد شکاف جنسیتی، در میان ۱۳۶ کشور،

^{۲۴} سند شماره A/HRC/WGAD/2012/54، نظریه شماره 54/2012، ۷ اوت ۲۰۱۳، قابل دسترسی در http://www.nuernberg.de/imperia/md/menschenrechte/dokumente/preisverleihungen/hrc_wg_on_arbitray_detention_soltani_2013.pdf.

^{۲۵} مقامات ایران در ابراز عقیده نسبت به این گزارش، ادعا کردند آقای سلطانی به خدمات حقوقی دسترسی داشته و برای درمان غالباً با پزشکان دیدار کرده است. آنها آقای سلطانی را متهم نمودند که بدون دریافت اجازه قانونی، در تأسیس کانون مدافعان حقوق بشر شرکت داشته است، روابط مشکوکی با برخی از سفارت‌ها در تهران داشته است، از آژانس‌های اطلاعاتی و امنیتی خارجی پول دریافت داشته است و با سازمان مجاهدین خلق ارتباط دارد.

^{۲۶} گزارش ارسالی توسط یک سازمان غیر دولتی، برای دفاع از قربانیان خشنونت. و خبرگزاری رسمی پرس تی وی، ۲۹ اوت ۲۰۱۳، قابل دسترسی در <http://www.presstv.com/detail/2013/08/29/321129/iran-names-first-fm-spokeswoman/>، <http://archive.radiozamaneh.com/english/content/rohani-names-woman-head-standards-agency>.

ایران را در رتبه ۱۳۰ قرار داد که نسبت به رتبه سال قبل، سه مرحله پایین‌تر رفته است.^{۲۷} بر طبق این گزارش، ایران پایین‌ترین میزان نماینده زن را در نیروی کار و پایین‌ترین درآمد تخمینی زنان در منطقه را داراست. دبیرکل دولت را تشویق می‌کند قوانین و سیاست‌هایی را برگزیند که مشارکت زنان را در صحنه‌های عمومی، سیاسی، اقتصادی و حرفه‌ای ارتقاء بخشد.

۲۲- قوانینی که تبعیض جنسیتی را مجاز دانسته و خشونت علیه زنان را تقویت می‌نمایند، همچون گذشته در ایران وضع می‌گردند. قانون اصلاح شده مجازات اسلامی که از تاریخ ژوئن ۲۰۱۳ رسمیت یافته، مقررات تبعیض آمیز علیه زنان را ابقاء نموده است. برای مثال، اعتبار رأی زنان در دادگاه نصف اعتبار رأی مردان می‌باشد و ارزش زندگی یک زن نصف ارزش زندگی یک مرد محسوب می‌شود. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران سن ازدواج برای دختران را ۱۳ سالگی مقرر می‌کند.^{۲۸} اما با اجازه یک دادگاه ذیصلاح، دختران را می‌توان در سن نه سالگی هم به ازدواج درآورد.^{۲۹} بنا به گزارش‌ها قانون حمایت خانواده سال ۲۰۱۳، ازدواج دائم یا موقت را مجاز نموده و چند همسری را قانونی می‌داند.^{۳۰} لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست که در سپتامبر ۲۰۱۳ به تصویب مجلس رسید و در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۳ به موقع اجرا گذاشته شد، ازدواج میان کودک و ولی قانونی او پس از رسیدن کودک به بلوغ و در صورتی که ازدواج وی با ولی خود به مصلحت او باشد را مجاز می‌شمارد.^{۳۱} این بدان معناست که یک دختر حتی در سن نه سالگی را می‌توان به عقد ولی او درآورد که تهدیدی نسبت به سلامت جسمی و روانی او بوده و با تضمین‌های اساسی حقوق بشر که در کنوانسیون حقوق کودک تصریح گردیده، و ایران هم یکی از امضاء کنندگان آن می‌باشد، مغایرت دارد. این قانون همچنین ممکن است سبب ازدواج‌های اجباری در سن کم گردد، یعنی پدیده‌ای که جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر در صدد ریشه کن کردن آن است. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی سازمان ملل در ماه مه ۲۰۱۳ جداً از دولت ایران خواست اقداماتی در جهت جلوگیری از ازدواج اجباری، پیش از موقع و موقت دختران انجام دهد و اطمینان حاصل نماید حق زنان در موضوع استخدام محفوظ ماند و کلیه محدودیت‌هایی را که بر سر راه دستیابی برابر زنان به تمامی جنبه‌های تحصیلات دانشگاهی وجود دارد، از میان بردارد.

الف-۷) وضعیت اقلیت‌های قومی و مذهبی

۲۳- هیچ‌گونه بهبودی در وضعیت اقلیت‌های مذهبی و قومی حاصل نشده است و ایشان در برخورداری از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود کماکان دچار محدودیت‌های شدید می‌باشند. نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی از قبیل بهائیان و مسیحیان چه در قانون و چه در عمل، امری تثبیت شده و نهادینه است. بر طبق گزارش‌ها مقامات دائماً با ایجاد مزاحمت، حمله به خانه‌های افراد و برانگیختن نفرت نسبت به بهائیان، در صدد سرکوب این جامعه می‌باشند. مسئولین ادعا می‌کنند که اقلیت‌های قومی در برابر قانون از حقوق مساوی برخوردارند و هیچ‌گونه تبعیضی علیه اقلیت‌های مذهبی روا داشته نمی‌شود. مسئولان کشور حتی اطلاع دادند که دولت جدید نسبت به مسایل اقلیت‌های مذهبی، توجه فراوانی مبذول می‌دارد. در ارتباط با این موضوع، دبیرکل این نکته مثبت را متذکر می‌شود که رئیس‌جمهور یک معاون ویژه برای بررسی وضعیت اقلیت‌های قومی و مذهبی برگزیده است. ساز و کارهای حقوق بشر سازمان ملل متحد در باره قوانین و سیاست‌های تبعیض آمیزی که برای منع اقلیت‌های مذهبی، از جمله بهائیان از تشکیل مؤسسات مذهبی و دسترسی به دانشگاه‌ها و استخدام در بخش دولتی به کار گرفته می‌شود، بارها نگرانی خود را ابراز داشته‌اند. گزارش‌گر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر

^{۲۷} مجمع جهانی اقتصاد [World Economic Forum]، «گزارش شکاف جنسیتی جهان» [Global Gender Gap Report]، ۲۰۱۳، قابل دسترسی در http://www3.weforum.org/docs/WEF_GenderGap_Report_2013.pdf

^{۲۸} «قانون مدنی»، ماده ۱۴۰۱.

^{۲۹} «قانون مدنی»، ماده ۱۲۱۰، سن بلوغ را برای دختران ۹ سال قمری (۸ سال و ۹ ماه)، و برای پسران ۱۵ سال قمری (۱۴ سال و ۷ ماه) تعیین می‌کند.

^{۳۰} «قانون حمایت خانواده جمهوری اسلامی ایران»، ۲۰۱۳، ماده ۴، ۴ و ۲۱.

^{۳۱} خبرگزاری رسمی ایسنا، ۱۶ اکتبر ۲۰۱۳، قابل دسترسی در

<http://www.isna.ir/fa/news/92072415178/> لایحه حمایت از کودکان بی سرپرست و بیسرپرست

در جمهوری اسلامی ایران^{۳۲} اظهار داشت اعضاء جامعه بهایی به طور فزاینده‌ای مورد بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه و بدرفتاری، ممانعت از انجام مناسک مذهبی، محرومیت از انجام تحصیلات عالی، ممانعت از استخدام در مشاغل دولتی و آزار و اذیت در مدارس قرار دارند. وی همچنین گزارش نمود که در ماه مه ۲۰۱۳، ۱۰۹ تن از اعضاء جامعه بهایی در زندان‌ها محبوس بودند.^{۳۳} این رقم در دسامبر ۲۰۱۳ به ۱۳۶ تن رسید، که نشانگر افزایش دستگیری و آزار و اذیت آنها می‌باشد. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مشاهدات نهایی خود در باره تبعیض گسترده و نهادینه شده علیه جامعه بهایی، از جمله محرومیت از استخدام در بخش دولتی و مؤسسات آموزش عالی و نیز استفاده از حقوق بازنشستگی ابراز نگرانی نموده و یک سلسله اقدامات حمایتی علیه تبعیض‌های قانونی و عملی پیشنهاد نمود، از جمله در ارتباط با بهره‌گیری از خدمات اجتماعی و تحصیلی.^{۳۴} دبیرکل درخواست خود از دولت ایران مبنی بر آزاد سازی هفت رهبر جامعه بهایی را تجدید نمود. این افراد به دلیل اداره امور مذهبی و اداری جامعه خود و پس از محاکمات عاری از تضمین‌های محاکمات عادلانه که در حقوق بین‌الملل تعیین گردیده محکوم شده و در حال سپری نمودن حبس ۲۰ ساله خود می‌باشند. دبیرکل همچنین دولت ایران را ترغیب می‌نماید محدودیت‌هایی را که مانع از برگزاری امور عبادی بهائیان است برطرف نموده و به ایشان اجازه دهد بدون مزاحمت و ترس به امور مذهبی خود بپردازند.

الف-۸) پناهندگان و مهاجرین

۲۴- وضعیت پناهندگان افغان آنگونه که در گزارش گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران به شصت و هشتمین اجلاس مجمع عمومی توصیف گردیده است، باعث نگرانی می‌باشد.^{۳۵} گزارشگر ویژه اظهار داشته بود که از آنجا که دولت از دواج میان مهاجرین غیر قانونی و ایرانیان را به رسمیت نمی‌شناسد، کودکان حاصل از چنین ازدواج‌هایی دارای شناسنامه نیستند و از فرصت‌های تحصیلی و مراقبت‌های پزشکی محروم می‌باشند. زنانی هم که با مهاجرین غیر قانونی ازدواج می‌نمایند، نمی‌توانند ملیت یا تابعیت خود را به شوهران یا فرزندان شان منتقل نمایند. همچنین پناهندگان افغان دچار محدودیت‌هایی در مورد سفر می‌باشند و اجازه سکونت در استان‌های گوناگونی را ندارند. در روز ۲۲ دسامبر ۲۰۱۳ به نقل از رئیس اداره امور بیگانگان و مهاجرین خارجی گفته شد که کودکان افغان که دارای مدارک قانونی نیستند، در مدارس ثبت نام نخواهند شد. همچنین در مورد نحوه اخراج افغان‌ها نگرانی‌هایی وجود دارد. بر طبق اظهارات سازمان دیده‌بان حقوق بشر، هزاران پناهنده افغان خودسرانه اخراج می‌گردند بدون آنکه به آنها هیچگونه فرصتی داده شود که به طور قانونی نسبت به اخراج خود اعتراض نمایند. به پناهجویان جدید حتی اگر در خطر آزار و اذیت یا آسیب‌های جدی در افغانستان باشند، هیچ امکانی داده نمی‌شود که درخواست پناهندگی نمایند. گزارش‌ها حاکی از آن است که برخی از پناهندگان افغان در حین اخراج مورد آزار و اذیت‌های جسمی قرار گرفته و دارایی‌شان مصادره گردیده است. همچنین اعضاء خانواده‌ها را اغلب از یکدیگر جدا می‌نمایند، که این کودکان را بیش از پیش نسبت به آزار و اذیت‌های جسمی و روحی آسیب پذیر می‌سازد.^{۳۶}

ب) حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

^{۳۲} سند شماره A/68/503.

^{۳۳} هفت رهبر جامعه بهایی که از مارس ۲۰۰۸ در زندان به سر برده‌اند، در اوت ۲۰۱۰ به جرم جاسوسی، تبلیغ علیه نظام، توطئه و همدستی به منظور به مخاطره انداختن امنیت ملی و افساد فی الارض به ۲۰ سال حبس محکوم شدند. بر اساس گزارش‌ها مجازات ایشان در ماه بعد به ۱۰ سال حبس کاهش یافت. اما در مارس ۲۰۱۱ دادگاه حکم نخست مجازات ۲۰ ساله را مجدداً تأیید نمود.

^{۳۴} سند شماره E/C.12/IRN/CO/2.

^{۳۵} سند شماره A/68/503.

^{۳۶} سازمان دیده‌بان حقوق بشر [Human Rights Watch]، «پناهندگان و مهاجرین افغان دچار آزار و اذیت هستند» [Afghan refugees and migrants face abuse]، ۲۰ نوامبر ۲۰۱۳، قابل دسترسی در

<http://www.hrw.org/news/2013/11/20/iran-afghan-refugees-and-migrants-face-abuse>

۲۵- جمهوری اسلامی ایران پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در توسعه انسانی داشته است. این کشور با داشتن یکی از جوانترین جمعیت‌های دنیا (۵۴/۸ درصد جمعیت این کشور کمتر از ۳۰ سال دارند)، دارای فرصتی جمعیتی است که پیامدهای مهمی از جهت توسعه در بر دارد. این کشور در حال رسیدن به اکثر هدف‌های توسعه هزاره است؛ از جمله هدف شماره ۱ (ریشه کن کردن فقر شدید)، هدف شماره ۲ (دستیابی به آموزش همگانی)، هدف ۴ (کاهش مرگ و میر کودکان)، و هدف ۵ (کاهش مرگ و میر مادران). دولت در تلاش است تا هم فقر درآمدی و هم کمبود امکانات را کاهش دهد. کشور شاهد تنزل در میزان فقر شدید درآمدی (۱ دلار امریکا در روز) به میزان یک درصد بوده است و این موضوع در بررسی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ماه مه ۲۰۱۳ به عنوان یک نکته مثبت ذکر گردیده است.

۲۶- کمیته همچنین «پیشرفت چشمگیر ایران در باریک کردن شکاف توسعه» را به عنوان گامی مثبت ذکر کرد. شاخص‌های توسعه انسانی ایران به طور چشمگیری بهبود یافته و شاخص توسعه انسانی آن که رقمی معادل ۰/۷۴۲ می‌باشد این کشور را در رتبه بالایی از توسعه انسانی قرار می‌دهد. این نشانگر افزایش متوسط سالانه به میزان ۱/۴ درصد از سال ۱۹۸۵ تا کنون می‌باشد (اگر چه که شاخص رشد توسعه انسانی در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ زیر ۱ درصد بوده است).^{۳۷} امید به زندگی در زمان تولد هم برای مردان و هم برای زنان افزایش یافته است؛ افراد بیشتری به آب آشامیدنی تمیز دسترسی دارند؛ مرگ و میر مادران پس از زایمان از ۱۵۰ مورد زایمان نوزاد زنده در ۱۰۰۰۰ در سال ۱۹۹۰ به رقم ۲۱ نفر در سال ۲۰۱۳ کاهش یافته است.^{۳۸} مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال از ۵۴ تن در ۱۰۰۰ مورد تولد نوزاد زنده در سال ۱۹۹۰ به ۲۲/۵ در سال ۲۰۱۰ کاهش داشته است؛ مجموعاً ۹۶/۴ درصد^{۳۹} تمام تولدها در حضور افراد دارای آموزش‌های مامایی انجام گرفته است؛ و بیش از ۹۸ درصد مناطق روستایی تحت پوشش مراقبت‌های بهداشتی اولیه قرار دارند.

۲۷- جمهوری اسلامی ایران همچنین پیشرفت قابل توجهی هم در زمینه آموزش و بهداشت زنان داشته است. میزان سواد در میان زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله در مقایسه با مردان در همان دوره سنی، از ۹۶/۱ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۹۹/۲ درصد در سال ۲۰۱۲ رسید.^{۴۰} تناسب دختران به پسران در مقاطع تحصیلی ابتدایی، متوسطه و عالی از ۷۹/۲ درصد در ۱۹۹۰ به ۹۸ درصد در سال ۲۰۱۲ رسید.^{۴۱} دسترسی جوامع فقیر به خدمات اولیه نیز به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داشته است: در طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۹ دسترسی به برق در فقیرترین نواحی روستایی از ۶۶/۶ درصد به ۹۳/۲ درصد، و دسترسی به آب لوله کشی از ۵۵/۱ درصد به ۸۳/۶ درصد افزایش یافته است.^{۴۲}

۲۸- اگرچه عناصر اصلی توسعه انسانی از جهت عبارات و اصطلاحات اقتصادی به طور قابل ملاحظه‌ای بهبود یافته، اما این کشور هنوز با چالش‌های بیکاری، میزان کم رشد بهره‌وری نیروی کار و نابرابری درآمد مستمر مواجه است.^{۴۳} شاخص عدم تساوی جنسیتی به طوریکه در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۳ آمده است ۰/۴۹۶ بوده است (که جمهوری اسلامی ایران را در رده ۱۰۷ قرار می‌دهد). کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ماه مه ۲۰۱۳ در باره میزان بالای بیکاری زنان و جوانان، فقدان بیمه بهداشت عمومی، میزان شدید

^{۳۷} «گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۱».

^{۳۸} «آمار جهانی بهداشت سال ۲۰۱۳»، ژنو، سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۳.

^{۳۹} جمهوری اسلامی ایران، «شاخص چندگانه جمعیت شناسی و سنجش بهداشت سال ۲۰۱۰»، قابل دسترسی در

<http://iran.unfpa.org/IrMIDHS%202010%20selected%20Results.asp>

^{۴۰} «وضعیت جمعیت جهان در سال ۲۰۱۲» [State of the world population 2012]، انتشارات سازمان ملل، شماره

فروش E.12.III.H.1

^{۴۱} همان.

^{۴۲} مرکز آمار ایران، مرکز آموزش و تحقیقات آمار، «گزارش تسهیلات و لوازم موجود برای خانوارها از ۱۹۹۱ تا

۲۰۰۹» سال ۲۰۱۱.

^{۴۳} مرکز آمار ایران، مرکز آموزش و تحقیقات آمار، «گزارش تسهیلات و لوازم موجود برای خانوارها از ۱۹۹۱ تا

۲۰۰۹» سال ۲۰۱۱.

فقر در برخی از نواحی توسعه نیافته، و قوانین و سیاست‌های مربوط به آزادی فرهنگی، نگرانی شدید خود را اعلام داشت.

۲۹- بسیاری از موارد فقر درآمدی و غیر درآمدی در مناطقی از قبیل شهرک‌های غیر رسمی، بخش غیر رسمی اقتصاد، نواحی روستایی دورافتاده، در میان پناهندگان، و در بر گیرنده گروه‌هایی از قبیل افراد معلول، و خانواده‌هایی که در آنها زنان تأمین کننده معاش خانواده هستند، می‌باشد. توزیع کلی درآمد، دست یافتن به منابع و خدمات دارای کیفیت بالا را نیز به طور کلی محدود می‌سازد. برای مثال نابرابری ضریب درآمد جینی سالهاست که بالای ۰/۴ مانده است و این در حالی است که در میان استان‌ها، نواحی، مراکز شهری و روستایی، ناهمخوانی‌های عمده‌ای به ثبت رسیده است.^{۴۴} دولت اکنون تصمیم گرفته است تا سال ۲۰۱۴ که پایان پنجمین دوره طرح پنج ساله توسعه اقتصادی است، این نابرابری را به ضریب جینی ۰/۳ کاهش دهد.

۳۰- ناهمخوانی‌ها در میان استان‌ها و بین مناطق روستایی و شهری ادامه دارد. درصد کودکان فقیر زیر وزن طبیعی و کمتر از ۵ سال در مناطق روستایی (۱۳/۷ درصد) از مناطق شهری (۹/۶ درصد) بالاتر است. علاوه بر آن، مسایل امنیتی نیز ناهمخوانی‌های منطقه‌ای در توسعه اجتماعی را تشدید می‌نماید. مناطقی که در مرز عراق و افغانستان قرار دارند، متأثر از قاچاق مواد مخدر و اسلحه و مهاجرت غیر قانونی می‌باشند. برخی از آن نواحی نیز از جهت ارتباطات در مضیقه بوده و از کمبود کارکنان امور بهداشتی و رفاهی رنج می‌برند.^{۴۵}

۳۱- مشارکت اقتصادی و استخدامی زنان کاهش یافته است. فقط ۱۴/۵ درصد جمعیت زنان از جهت اقتصادی فعال هستند که از آن میان ۱۶/۸ درصد یا در استخدام نیستند و یا در جستجوی کار می‌باشند. کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در طی بررسی وضعیت جمهوری اسلامی ایران، در باره محدودیت‌های موجود برای دسترسی به تحصیلات دانشگاهی، از جمله ممنوعیت ثبت نام زنان و مردان، محدود ساختن درصد زنانی که می‌توانند در رشته‌های خاصی به تحصیل بپردازند، و نیز جداسازی جنسیتی در کلاس‌های درس و استفاده از امکانات، نگرانی‌های عمیق خود را ابراز کرد. کمیته همچنین از مشارکت کم زنان در نیروی کار، که اخیراً کاهش بیشتری نیز داشته است، و نیز اینکه بر اساس قانون حمایت خانواده شوهر می‌تواند با دریافت حکم دادگاه مانع از اشتغال به کار همسرش گردد، ابراز نگرانی نمود. کمیته تخصصی اعمال معاهدات و توصیه نامه‌ها، وابسته به سازمان بین‌المللی کار، در مشاهدات اخیر خود ابراز تأسف کرد که دولت برای لغو بخش ۱۱۱۷ قانون مدنی که مقرر می‌دارد شوهر می‌تواند همسر خود را از شغل یا حرفه خاصی منع نماید، هیچگونه اقدامی نکرده است.^{۴۶}

۳۲- جمهوری اسلامی ایران دستخوش یک سلسله تغییرات سریع اجتماعی اقتصادی و جمعیتی است. جمعیت این کشور در سال ۲۰۱۳ از مرز ۷۵ میلیون گذشت. بر طبق آمار سال ۲۰۱۱، میزان رشد سالانه جمعیت ۱/۳ درصد است، تناسب کلی جنسی ۱۰۲ می‌باشد. در میان عوامل دیگر، گسترش امکانات بهداشتی، افزایش میزان سود، و بهبود استاندارد زندگی را می‌توان نام برد که در افزایش طول عمر زنان و مردان به ترتیب به ۷۳/۲ و ۷۰/۵ نقش داشته است.^{۴۷} نیاز به جذب نسل جوانتر به بازار کار، اقتصاد را تحت فشار قرار داده و تخمین زده

^{۴۴} سنجش‌های گوناگون میزان درآمد و مخارج خانواده‌ها، تفاوت‌های گسترده‌ای را نشان می‌دهد.

^{۴۵} «راهکارهای همکاری کشورها برای سازمان جهانی بهداشت و جمهوری اسلامی ایران ۲۰۱۰-۲۰۱۴» [Country WHO], سال ۲۰۱۱.

^{۴۶} سازمان جهانی کار [International Labour Organisation], کمیته تخصصی اعمال معاهدات و توصیه نامه‌ها [Committee of Experts on the Application of Conventions and Recommendations], «مشاهدات سال ۲۰۱۲ در مورد جمهوری اسلامی ایران و کنوانسیون تبعیض (استخدامی و حرفه‌ای) سال ۱۹۵۸ (شماره ۱۱۱)» [Observations adopted in 2012, concerning the Islamic Republic of Iran and the Discrimination (Employment and Occupation) Convention, 1958 (No 111)].

^{۴۷} مرکز آمار ایران، «آمار جمعیت و مسکن سال ۲۰۱۱».

می‌شود که این امر سبب ایجاد بیکاری به میزان کلی ۱۲/۴ درصد (و ۱۹/۶ درصد برای زنان) در سال ۲۰۱۳ گردیده است. ارقام بیکاری برای جوانان بسیار بالاتر از این می‌باشد (۲۲/۳ درصد برای مردان جوان، ۴۲/۷ درصد برای زنان جوان در اوایل ۲۰۱۳). جستجو برای فرصت‌های کاری بهتر، علت اصلی افزایش مهاجرت و رشد سریع جمعیت شهرتشین می‌باشد.^{۴۸}

۳۳- میزان زاد و ولد در عرض مدت کوتاهی کاهش پیدا کرده است به طوری که از ۶/۶ زایمان برای هر زن در سال ۱۹۷۷ به دو زایمان برای هر زن در سال ۲۰۰۰ و به ۱/۸ در سال ۲۰۱۱ تقلیل یافته است، که این زیر میزان جایگزینی می‌باشد. رهبر انقلاب با نگرانی از کاهش باروری که به بالا رفتن تناسب افراد مسن در جامعه منجر خواهد شد، خانواده‌ها را به داشتن فرزندان بیشتر تشویق کرد. وی همچنین خواستار اجرای روش‌هایی شد که مشوق زاد و ولد در جامعه باشند. وزارت بهداشتی در پاسخ به سخنان رهبر، اعلام نمود که وسایل پیشگیری از بارداری که تا کنون به طور رایگان به افراد توزیع می‌شد، دیگر بیش از این فراهم نخواهد شد.

۳۴- دبیرکل در گزارش خود به شصت و هشتمین اجلاس مجمع عمومی شرح کاملی از تأثیر تحریم‌ها بر روی عموم مردم تهیه نموده است. تحولات مربوط به ابطال برخی از تحریم‌های اقتصادی وارد بر جمهوری اسلامی ایران که اخیراً انجام شده از نزدیک دنبال می‌شود به این امید که این گام‌ها تأثیر تحریم‌ها را که بیش از هر چیز بر عموم مردم فشار وارد می‌آورد، به ویژه در مورد توزیع لوازم پزشکی و دارو، تا حدی بر طرف نماید. دبیرکل تحولات اخیر را بیش از پیش ارزیابی خواهد کرد و در گزارش خود به شصت و نهمین نشست مجمع عمومی، آنها را مشروحاً منعکس خواهد نمود.

۳) همکاری با ساز و کارهای بین‌المللی حقوق بشر و دفتر کمیسریای عالی سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر

الف) همکاری با سیستم معاهدات حقوق بشر سازمان ملل متحد

۳۵- جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای پنج کنوانسیون اصلی بین‌المللی حقوق بشر^{۴۹} و یکی از امضاء کنندگان پروتکل اختیاری مربوط به کنوانسیون حقوق کودک در مورد شرکت کودکان در منازعات مسلحانه، در سال‌های اخیر همکاری خود را با ارگان‌های مربوط به این معاهدات بهبود بخشیده است. ایران در اوت ۲۰۱۰ توسط کمیته حذف تمام اشکال تبعیض نژادی، در اکتبر ۲۰۱۱ توسط کمیته حقوق بشر، و در ماه مه ۲۰۱۳ توسط کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت.^{۵۰} در طی آخرین بررسی خود، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخی از همان مسائلی را مطرح کرد که در بررسی نخست خود در باره ایران که ۱۸ سال پیش انجام شد، هم مطرح کرده بود، و متذکر شد که این مانع از برقراری مذاکرات مستمر با ایران گردید.

^{۴۸} مرکز آمار ایران، «کتاب آمار سالانه ایران»، سال ۲۰۰۹، و «خلاصه گزارش سنجش نیروی کار»، سال ۲۰۰۹.
^{۴۹} «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» [International Covenant on Civil and Political Rights]، «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» [International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights]، «کنوانسیون حقوق کودک» [Convention on the Rights of the Child]، «کنوانسیون بین‌المللی رفع تمام اشکال تبعیض نژادی» [International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination]، و «کنوانسیون حقوق معلولین» [Convention on the Rights of Persons with Disabilities].
^{۵۰} کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به دنبال بررسی قبلی خود در سال ۱۹۹۳، ضمن بررسی دومین گزارش دوره‌ای جمهوری اسلامی ایران از تأخیر در تحویل گزارش ابراز تأسف نمود و از ایران خواست تا سومین گزارش دوره‌ای خود را به موقع و تا ۳۱ مه ۲۰۱۸ تحویل دهد. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همچنین ابراز تأسف نمود که این کشور عضو، پاسخ‌های جامعی به برخی از سؤالات مطرحه توسط این کمیته نداده است.

۳۶- دبیرکل از عدم همکاری جمهوری اسلامی ایران با کمیته حقوق بشر که به کرات خواستار اطلاعات بیشتر در مورد اجرای توصیه‌های خود در بندهای ۹، ۱۲، ۱۳ و ۲۲ مشاهدات نهایی خود شده است، اظهار تأسف می‌کند.^{۵۱} دبیرکل امیدوار است دولت سریعاً اطلاعات درخواست شده توسط کمیته حقوق بشر را تهیه کند و با ارگان‌های مسئول معاهدات که دستگاه‌های مهم و حیاتی برای بهبود وضعیت حقوق بشر در این کشور هستند گفتگوهای سازنده‌ای را آغاز نماید.

ب) همکاری با حقوقدانان ویژه شورای حقوق بشر

۳۷- کمیسریای عالی حقوق بشر در کنفرانس ۲ دسامبر ۲۰۱۳ بار دیگر اهمیت این موضوع را مورد تأکید قرار داد که ایران از گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران دعوت به عمل آورد تا از این کشور دیدار نماید. دبیرکل این موضوع را به دفعات در چندین فرصت مختلف مطرح نموده است. گزارشگر ویژه از زمان انتصابش به این سمت در سال ۲۰۱۱ چندین بار رسماً از مقامات ایرانی درخواست نموده است به وی اجازه دهند از این کشور بازدید به عمل آورد اما تا این تاریخ هنوز پاسخی در ارتباط با تأیید این موضوع دریافت نکرده است. گزارشگر ویژه در نامه‌ای به رئیس جمهور روحانی در ژوئیه ۲۰۱۳ اظهار امیدواری نمود که این دولت برخورد مساعدی از خود نشان دهد از جمله با صدور اجازه برای وی به منظور بازدید از کشور. گزارشگر ویژه با هیئت دائمی جمهوری اسلامی ایران در ژنو و در نیویورک ملاقات نمود تا در باره چشم اندازهای برقراری ارتباط در آینده به گفتگو بنشینند.

۳۸- باعث تأسف دبیرکل است که از سال ۲۰۰۵ تا کنون، هیچیک از حقوقدانان متخصص سازمان ملل در زمینه‌های مختلف هنوز برای دیدار از ایران دعوت نشده‌اند، با وجود آنکه دعوتنامه‌ای در سال ۲۰۰۲ برای بازدید کلیه این حقوقدانان صادر شد و در سال ۲۰۱۲ نیز وعده‌ای برای دعوت دو تن از اینگونه حقوقدانان داده شد. وی اظهار امیدواری می‌کند که دولت برای دیدار گروه کاری مربوط به ناپدید شدن‌های اجباری یا غیر اختیاری، گزارشگر ویژه در مورد اعدام‌های فراقضائی، شتابزده یا خودسرانه، و گزارشگر ویژه آزادی مذهب یا عقیده که به طور اصولی با آن توافق نموده است، برنامه ریزی‌هایی انجام دهد. علیرغم توافق حاصله برای دیدار گروه کاری مربوط به ناپدید شدن‌های اجباری یا غیر اختیاری در سال ۲۰۰۴، که بنا به تقاضای دولت به تأخیر افتاد، دولت ایران به پنج نامه یادآوری سالانه در سال‌های ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲، و ۲۰۱۳، که درخواست زمانبندی چنین ملاقاتی را کرده بود، و قعی نگذاشته است. از اوایل سال ۲۰۱۴، دولت هنوز قرار است که تاریخی برای این دیدار تعیین نماید.

۳۹- دبیرکل همچنین در باره کم بودن میزان پاسخ‌هایی که به مکاتبات بیشتر ارسال شده توسط بخش‌های مختلف سازمان ملل به دولت ایران داده شده، ابراز نگرانی کرد. از ۲۵ نامه‌ای که در سال ۲۰۱۳ ارسال گردیده، مقامات ایران به چهار مورد پاسخ داده‌اند. اکثر مکاتبات نگرانی‌هایی را در باره شکنجه، اعدام‌ها، دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه روزنامه نگاران و فعالان حقوق بشر، ایجاد مزاحمت برای اعضاء خانواده فعالان، پیگرد اقلیت‌های مذهبی، محاکمات غیر عادلانه و بدرفتاری با زندانیان، و محروم ساختن از درمان‌های پزشکی مطرح می‌کردند.

ج) همکاری با دفتر کمیسریای عالی سازمان ملل در امور حقوق بشر

^{۵۱} کمیته حقوق بشر در مشاهدات نهایی خود از جمهوری اسلامی ایران تقاضا کرد در موارد خاصی که سبب نگرانی این کمیته بود، اطلاعاتی را در عرض یک سال فراهم نماید، از جمله در باره عدم تساوی زنان در ازدواج، خانواده و ارث؛ مجازات مرگ، بخصوص اعدام صغار؛ و استقلال قضات. از آن زمان به بعد، کمیته مزبور در ماه‌های مه و دسامبر ۲۰۱۳، یادآوری‌هایی را برای دولت ارسال داشته است اما هیچگونه پاسخ مثبتی دریافت نکرده است. نگاه کنید به http://tbinternet.ohchr.org/Treaties/CCPR/Shared%20Documents/IRN/INT_CCPR_FUL_IRN_15_884_E.pdf.

۴۰- کمیسر یای عالی حقوق بشر همچون گذشته نگرانی‌های خود را در مورد مسایل حقوق بشر با مقامات ایران، از جمله در ملاقات‌های خود با وزیر امور خارجه مطرح کرد. وی همچنین در باره چند مورد فردی حقوق بشر از طریق ملاقات‌های خصوصی، ارسال نامه و بیانیه‌های عمومی، با مقامات این کشور به عنوان میانجی مذاکره نمود. این موارد بیشتر مربوط به حقوق زنان، مجازات اعدام، و حق آزادی عقیده و بیان و تجمع آرام می‌شد.

د) بررسی عمومی دوره‌ای

۴۱- دولت ایران نخستین بررسی دوره‌ای خود را در ۱۵ فوریه ۲۰۱۰ بر عهده گرفت. از ۱۸۹ توصیه‌ای که به این کشور شد، ایران ۱۲۳ مورد آن را پذیرفت. اگرچه در باره پیشرفت‌های انجام شده مربوط به اجرای این توصیه‌ها اطلاعات چندانی در دست نیست، دبیرکل این نکته مثبت را متذکر شد که دولت پیش نویس گزارش ملی خود در باره اجرای توصیه‌های نخستین بررسی دوره‌ای خود را آغاز نموده است. از آنجا که قرار است جمهوری اسلامی ایران برای دور دوم بررسی‌های دوره‌ای خود، در ماه‌های اکتبر و نوامبر ۲۰۱۴ در برابر شورای حقوق بشر حاضر شود، دبیرکل از دولت می‌خواهد به صورت فعال‌تری فعالان جامعه مدنی و دیگر سازمان‌های مربوطه را در آماده سازی برای این بررسی، دخالت دهد و از سازمان ملل متحد برای اجرای توصیه‌های بررسی دوره‌ای یاری گیرد.

۴) نتیجه گیری و توصیه

۴۲- دبیرکل گام‌های مثبتی را که توسط دولت جمهوری اسلامی ایران برداشته شده است، بخصوص آزاد ساختن زندانیان سیاسی معروف، و بازگرداندن برخی از دانشجویان و اساتید به دانشگاه‌ها را مورد استقبال قرار می‌دهد. دبیرکل دولت را تشویق می‌کند که با ایجاد فضا برای مدافعان حقوق بشر، وکلا و روزنامه نگاران، و با آزاد ساختن زندانیان سیاسی، از جمله مدافعان حقوق بشر و وکلا عبدالفتاح سلطانی، محمد علی دادخواه، و محمد سیف‌زاده که صرفاً به دلیل به کار گرفتن حق خود برای آزادی بیان، تجمع و انجمن محبوس گردیده‌اند، گامی دیگر در جهت پیشبرد این تحولات مثبت بردارد.

۴۳- دبیرکل از گزارش‌های مربوط به افزایش تعداد اعدام‌ها، از جمله زندانیان سیاسی، قطع دست و پا و شلاق زدن، شدیداً متأثر است. دبیرکل درخواست خود مبنی بر تعیین یک استمهال قانونی در باره استفاده از مجازات اعدام، و نیز ممنوع ساختن اعدام در ملاء عام را باز هم تکرار می‌کند.

۴۴- دبیرکل مصرانه از دولت می‌خواهد به نگرانی‌هایی که در این گزارش عنوان شده، و نیز درخواست‌های خاصی که در قطعنامه‌های قبلی مجمع عمومی مطرح گردیده، و همچنین به توصیه‌های ساخت کارهای گوناگون حقوق بشر، از جمله بررسی دوره‌ای عمومی، توجه کند.

۴۵- با توجه به پیشرفت‌های مثبتی که ایران بر اساس چندین شاخص اقتصادی و اجتماعی کرده است، دبیرکل دولت را تشویق می‌کند که در استفاده از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به ناهمخوانی‌های منطقه‌ای و نیز به تبعیض علیه زنان و اعضاء برخی از اقلیت‌های بخصوص توجه کند. دبیرکل از دولت می‌خواهد در اجرای توصیه‌های مه ۲۰۱۴ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز در مراحل بعد، با سازمان‌های جامعه مدنی همکاری نزدیکی داشته باشد. وی قویاً دولت را تشویق می‌نماید که برای دریافت کمک تخصصی لازم و همکاری در این باره، از دفتر کمیسر یای عالی حقوق بشر، یاری بطلبد.

۴۶- برای محافظت و ارتقاء هر چه بیشتر از حقوق بشر در ایران و در جهت تقویت فرهنگ ملی حقوق بشر، و نیز همانگونه که کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز توصیه نموده است، دبیرکل از دولت ایران مصراً می‌خواهد یک مؤسسه ملی و مستقل حقوق بشر تأسیس نماید.

۴۷- دبیرکل از اینکه علیرغم درخواست‌های مکرر گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران برای دیدار از این کشور، هنوز اجازه ورود برای وی صادر نگردیده است، ابراز تأسف می‌کند. دبیرکل درخواست خود را از دولت مبنی بر همکاری کامل با گزارشگر ویژه برای اجرای برنامه کار وی، از طریق دعوت وی و دیگر متخصصین حقوقی سازمان ملل به کشور در آینده نزدیک و بر طبق دعوتنامه معتبر ایران، تجدید می‌نماید.

۴۸- دبیرکل از برقراری ارتباط میان جمهوری اسلامی ایران و ارگان‌های معاهدات حقوق بشر سازمان ملل متحد ابراز خوشنودی می‌نماید و جداً از ایران می‌خواهد مشاهدات نهایی تمام ارگان‌های معاهدات سازمان ملل را دنبال نمایند و کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز را تصویب نماید.